



محمدمهدی مجاهدی

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه علامه طباطبائی

در جامعه‌شناسی مفهوم طبقه، یک استعاره است که می‌توان با استفاده از آن، قشربندی جامعه را توضیح داد و به روایت‌های مختلفی از این تحلیل طبقاتی دست پیدا کرد. من معتقدم این استعاره کمی برای فهم وضعیت ما نارساست، مگر اینکه کمی مبتکرانه یا خلاقانه آن را تغییر دهیم تا شاید کمی قدرت تبیین‌گر پیدا کند. علاوه بر آن، سه مفهوم دیگر وجود دارد که به ما کمک می‌کند آن استعاره طبقاتی قشربندی اجتماعی را قابل‌ترمیم بدانیم: مفهوم اول «جنبش‌های اجتماعی»، مفهوم دوم «ناجنبش‌های اجتماعی» و مفهوم سوم «بی‌قراری» است که علاوه بر اشتراکاتی با دو مفهوم قبلی، تفاوت‌های زیادی هم با آنها دارد. جامعه ایران به‌غیر از دوره‌هایی در دوران آقای خاتمی و روحانی، بیش از پنج‌دهه است که با انباشت توری دو رقیمی روبه‌رو است. در کنار آن این جامعه با عوارض تحریم‌های بسیار شدید هم مواجه است که از سال ۲۰۱۷ به‌بعد آغاز شد و در این شرایط آثار تحریمی و تورمی به‌هم ضمیمه می‌شوند. در کنار آن، جامعه زیر تهدید از بیرون و محاصره از درون قرار می‌گیرد. به همه این ویژگی‌ها باید این مورد را هم اضافه کنیم که جامعه ایرانی از نظر تغییر نسبت جمعیت شهری و روستایی، دگرگونی ژرف‌آنشویی را در زمینه دسترسی به اطلاعات، افکار و داده به‌صورت تغییر شکل و بافار فوق‌العاده انقلابی پشت‌سر گذاشته است: به‌خصوص به‌دلیل گسترش اینترنت و افزایش ضریب فراگیری آن که به دو دهه اخیر مربوط می‌شود. به همه این موارد باید تعداد خودروها و توان جابه‌جایی را اضافه کرد که امکان مشاهده را فراگیر کرده است. واقعیت این است که حواشی شهرهای بزرگ و مناطق مهمی از شهرهایی از جمله تهران، بدون حضور مسافران دائمی - یعنی کارگران دائم‌السفر- اداره نمی‌شود. ضمن اینکه اقتصاد سفر از جمله رشد صنعت تاکسی‌های اینترنتی، به پدیده مهمی تبدیل شده و محله‌های مهمی از حواشی جنوبی‌ترین نقاط شهر به پارکینگ‌های بزرگ کارکنان این تاکسی‌ها تبدیل

شده‌اند که در این شهر دائماً به‌عنوان یک مشاهده‌گر فعال تبدیل شده‌اند؛ بنابراین شکل جدیدی از مناسبات و لایه‌های تازه‌ای از تفاهم اجتماعی یا مبادله مفهوم شکل گرفته است. اگر همه این موارد را کنار هم قرار دهیم، مفهوم مارکسی از طبقه بسیار بحرانی می‌شود و به‌سختی در این زمینه قابل استفاده است. در کنار همه این اتفاقات، موضوع دیگری هم رخ داده که مانند یک بمب روی نظم طبقاتی ما فرود آمده و آن تئوری‌های الگوهایی تبیینی، مبتنی بر طبقه را از بین برده است؛ من حاصل این فرآیند را «طبقه عمودی» می‌نامم. طبقه‌ای را در نظر بگیرید که سایر طبقات را می‌برد؛ مثل چاقو که یک یک را می‌برد. بنابراین طبقه‌ای شکل می‌گیرد که در آن همه طبقات سابق مثل فرودست، میانی و فرادست در آن عضویت دارند. طبقه عمودی چطور شکل گرفته است؟ غیر از شبکه‌های اینترنتی و...، اتفاق بزرگی افتاده که باعث‌شده طبقه عمودی شکل بگیرد؛ در مدت نسبتاً کوتاهی، بخشی از هر طبقه به طبقات زیرین نشست کرده است. یعنی برای اعضای یک طبقه طرف یکی، دو، سه‌سال، دیگر آن مناسبات اقتصادی، انتظارات، توقعات، شبکه‌های ارتباطی و... را که قبلاً به آن خو گرفته بودند، کار نمی‌کند، بنابراین به چند طبقه پایین‌تر منتقل می‌شوند، آن وقت اعضای طبقات پایین‌تر هم دیگر در آن طبقه نایستاده‌اند، بلکه به طبقه دیگری رفته‌اند. اینجا یک جور فرونشست طبقاتی اتفاق افتاده است و این فرونشست فقط به‌دلایل اقتصادی نیست؛ به همه دلایل فرهنگی، اطلاعاتی، اقتصادی، اجتماعی و امکان پذیرشدن تحرک اجتماعی است؛ اینها را می‌توان با آمارهای استارت‌آپ‌ها مثل اسنپ هم بررسی کرد.

این شکل‌گیری طبقه عمودی اتفاقات مهمی را همراه خودش رقم می‌زند؛ یکی این است که اعضای این طبقه، مثلاً بخشی از بالاترین طبقه مرفه ایران، به یکی، دو طبقه پایین‌تر ریزش کرده ولی همچنان نسبت به طبقه پایین‌تر مرفه است اما پیش خودش احساس بدبختی، بیچاگی، تحقیر و ناسزاواری جایگاهی می‌کند. مثلاً داشته در الهیه زندگی می‌کرده، خواهر، برادر، مادر و پدرش هم از سال‌ها قبل آنجا بوده‌اند بعد ناچار شده پایین‌ونک جایی را بخرد؛ خب او همچنان وضع‌اش از کسی که پایین انقلاب است بهتر است ولی پیش خودش و طبقه ارتباطاتی که در آن زندگی می‌کرده احساس حقارت می‌کند و ناراضی است. ناراضیتی او شبیه کسی

کنیم- که از بازاریان تهران شروع شد- قاعداً خود را در آن طیف نمی‌بیند: «البته که بعد از آن هم به شهرهای کوچک و فقیرنشین کشیده شد. بی‌گمان گرانی و شرایط وحشتناک اقتصادی کمر هممان را شکسته، اما متأسفانه مطالبات و شعارها در روزهای بعد، به سمت‌وسویی رفت که بازگشت به تاریخی استبدادی بود که امتحان‌اش را پس داده بود. حتی شعار و مطالبات در راستای شرایط سخت اقتصادی کنونی، محو شد. به‌هر رو اعتراض به بالا رفتن سرسام‌آور هزینه‌های روزمره زندگی، موضوعی نیست که قابل انکار باشد؛ چه برای ما که خود را طبقه متوسط رو به پایین می‌دانیم، چه برای طبقه محروم جامعه. اما هیچ تردیدی در جهت نیبوستن به این اعتراضات، وجود ندارد؛ وقتی احساس می‌کنیم سکان هدایت آن را کسی به‌دست گرفته که از نوجوانی از ایران خارج شده است یا همان ایده‌های قیّم‌مآبانه، ارباب‌رعیتی و شبان‌رمگی، باید صراحتاً بگوییم یا افراتر می‌گذارم واذهان می‌کنم، به این اعتراضات نه‌تنها تردید دارم بلکه بسیار بدگمانم. امیدوارم مسیر درست خود را پیدا کند. بر این باورم که اعتراض حق هر انسانی است اما هر تغییری -چه اقتصادی، چه اجتماعی- با یاری همین مردم و با نمایندگان اصیلی از همین مردم تحت‌فشار باید صورت گیرد. اعتراض خیابانی به شرایط وخیم اقتصادی، ازقضا مصون‌ترین شکل اعتراض برای ساختار حاکمیت است. حاکمیت و دولت، خودشان هم به این شرایط سخت اعتراف کرده‌اند. حالا مردم شهرهای محروم می‌خواهند مشکلات‌شان را فریاد بزنند، چرا باید با بر خورد شدید مواجه شوند؟ عده‌ای زخمی و راهی بیمارستان شوند و در بیمارستان هم مصون نمانند. اصلاً قابل باور نیست که عده‌ای بدون سلاح به خیابان بیایند؛ بگویند ما گرسنه‌ایم و نان‌شب نداریم، بعد مورد شدیدترین شکل خشونت قرار بگیرند. قطعاً که این بر خورد‌ها ملت را از همه چیز دلسرد می‌کند. حاکمیت نباید امید به تغییر و اصلاح را با خشونت از مردم جان به‌لب‌رسیده بگیرد، ما مردمی صبور هستیم. باید قدر مردم‌اش را بداند.»

نسل‌هایی با دسترسی بی‌سابقه به اطلاعات و افق وسیع‌تری که پیش چشمان‌شان در عرصه زندگی اجتماعی و فرهنگی گشوده شده است، این شناخت و آگاهی ییکران به‌مبد ابزارهای رسانه‌ای امروزین از جهان، انتظارات متنوعی را در میان‌شان برمی‌انگیزد اما مطالبات‌شان معمولاً با ساختارهای سخت و انعطاف‌ناپذیری روبه‌رو می‌شود. در چنین شرایطی، طغیان و اعتراض را باید اجتناب‌ناپذیر تلقی کرد و بر خورد با این صدها، صرفاً آن را به لایه‌های عمیق‌تر و رادیکال‌تر می‌راند. جامعه‌ای که امکان بیان مسالمت‌آمیز ناراضیاتی را پیدا نکند، ابزار مشروعی برای بهبود شرایط پیش‌روی خود نبیندو چشم‌اندازی برای آینده‌ای بهتر متصور نشود، دیر یا زود با بحران‌های جدی مواجه و درگیر خواهد شد. اعتماد اجتماعی، سرمایه‌ای آسیب‌پذیر است، با بخشامه و شعار یا چاره‌اندیشی‌های مقطعی و عوام‌فریبانه‌سازی نمی‌شود.

فرونشست طبقاتی؛ دلایل اعتراضات اخیر

است که منطقه ۱۶ زندگی می‌کرده و حالا مثلاً ناچار شده برود منطقه ۱۸، یا تهران زندگی می‌کرده و حالا مجبور شده برود در پرند زندگی کند. یا تاجر بوده، چنددهه مغازه تجاری داشته و حالا ناچار است، برود جایی را اجاره کند. این افراد وضع‌شان طوری است که نزد خودشان احساس می‌کنند، این جایگاه سزاوارشان نیست و خودشان را مقصر این افت طبقاتی نمی‌دانند، به‌ویژه در کشور ما که دولت، قدر قدرت است، تصمیمات بزرگ می‌گیرد و عوارض تصمیمات‌اش، همه را متاثر می‌کند. ممکن است ما در تحلیل دقیق حکومت در ایران به این برسیم که اتفاقاً قبل و بعد از انقلاب، چندان قوی نبوده و نیست؛ ولی این تصور را ایجاد کرده که قدر قدرت است و خب این نیروی قدر قدرت فقط که روز خوشی ندارد، روز ناخوشی هم دارد و در موقعیت‌هایی همه او را مقصر می‌دانند. بنابراین چه اتفاقی می‌افتد؟ در تحلیل‌ها هفت ویژگی برای طبقات اجتماعی برمی‌شمارند که این طبقات یکی پس از دیگری ریزش می‌کنند تا اینکه بالاخره آن پایین، چیزی شکل می‌گیرد از افرادی که دیگر در هیچ طبقه‌ای نمی‌گنجند؛ آنقدر بدون عاملیت، شخصیت طبقاتی و بی‌کنش‌اند که نمی‌توانند اراده‌شان را تبدیل به کنش کنند و فروتر از طبقه‌اند.

قبلاً در تحلیل‌های طبقاتی ویژگی‌های مشترک اعضای هر طبقه را می‌توانستیم برشماریم اما حالا که طبقه عمودی را تعریف می‌کنیم، ناراضیتی از حکومت، ویژگی اصلی آن است. همه آنها ناراضی‌اند؛ حالا این ناراضیاتی از طبقه یک، به دو تنزل پیدا کرده باشد یا از دو به چهار، فرقی نمی‌کند؛ آنها به‌طور نسبی احساس بدبختی می‌کنند و این در همه آنها مشترک است.

من در سال ۱۳۹۶ و بعد از اعتراض‌های آن سال هم نوشتم که اینجا باید مفهوم پریکاریات را بررسی کرد که به‌معنی بی‌ثبات‌کار یا ناشهروند بی‌قرار در جامعه‌شناسی و اقتصاد شناخته می‌شود که به نوعی طبقه اجتماعی گفته می‌شود که از افراد بی‌ثبات و ناپایدار از نظر وضعیت شغلی و معیشتی تشکیل شده است؛ آنها اعضای طبقه عمودی‌اند که همه‌شان در وضعیت تعلیق، بیچاگی و بی‌قراری قرار دارند، مثل کسی که پایش روی ماسه است و هر لحظه احساس می‌کند این ماسه فرو می‌رود و نمی‌تواند به جایگاه‌اش مطمئن باشد.



شرکت توسعه منابع انرژی توان (صیاباتری)

شرکت توسعه منابع انرژی توان (صیاباتری)

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی

گروه صنعتی شهید درخشان در نظر دارد خرید مواد غذایی و طبخ و توزیع غذای کارکنان را از طریق برگزاری مناقصه عمومی از پیمانکاران واجد شرایط تدارک نماید.

■ **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ۰۰۰'۰۰۰'۴۰۰'۹۸ **ریال**

همچنین گروه صنعتی شهید درخشان در نظر دارد مقدار **۷۰۰ متر کابل مسی ۱*۳۰۰- ۲۰ کیلو ولت** زره دار مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی از تولیدکنندگان داخلی خریداری نماید.

■ **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ۰۰۰'۰۰۰'۸۴۰'۱ **ریال**

واجدین شرایط برای شرکت مناقصه و خرید اسناد می‌توانند با مراجعه به آدرس: کیلومتر ۱۸ اتوبان تهران ساوه – خروجی دوم صیابشهر – گروه شهید درخشان (صیاباتری) – واحد قراردادها تا ۷ روز پس از چاپ این آگهی مراجعه نمایند. (هزینه خرید اسناد: دو میلیون ریال واریز در محل) مناقصه گزار در رد یا قبول هریک یا تمام پیشنهادها مختار است. پرداخت هزینه‌های آگهی برعهده برنده مناقصه خواهد بود.

تلفن تماس: ۵۶۵۷۴۹۰۰ فاکس: ۵۶۵۷۴۹۰۸ واحد قراردادهای گروه شهید درخشان شماره مناقصه: ۳۰۴۱۳

م الف: ۳۶۹۲ شناسه آگهی: ۲۰۸۸۵۰۶



شرکت ملی گاز ایران شرکت گاز استان قزوین

موضوع: پروژه تهیه مصالح و اجرای گازرسانی به حفرات خالی و نگهداری، تعمیرات

بازسازی و مقاوم سازی تاسیسات گازرسانی شهرستان البرز ۱۴۰۴-۱۴۰۵ (شماره مناقصه: ۱۹-۱۴۰۴)

کد فراخوان پایگاه اطلاع رسانی مناقصات : ۶۴/۵۷۹/۱۸۳

شرکت گاز استان قزوین در نظر دارد مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده) پروژه تهیه مصالح و اجرای گازرسانی به حفرات خالی و نگهداری، تعمیرات، بازسازی و مقاوم سازی تاسیسات گازرسانی شهرستان البرز ۱۴۰۴-۱۴۰۵ به شماره (۲۰۰۴۰۹۱۳۳۵۰۰۰۰۴۷) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ می باشد.

■ **مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: تا پایان وقت اداری روز یکشنبه (ساعت: ۱۶:۰۰) مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۱**

■ **مهلت زمانی ارسال پیشنهادات: تا ساعت ۱۹:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۵.**

■ **زمان بازگشایی پاکات ارزیابی کیفی: روز دوشنبه ساعت ۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۶- سالن جلسات ساختمان مرکزی.**

■ **زمان بازگشایی پاکات مناقصه (الف، ب و ج): روز سهو ساعت ۰۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۱- سالن جلسات ساختمان مرکزی.**

شرایط مناقصه گران:

۱: داشتن شخصیت حقوقی

۲: داشتن گواهینامه صلاحیت پیمانکاری معتبر با رتبه ۵ یا بالاتر در رشته تاسیسات و تجهیزات از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (سازمان برنامه و بودجه کشور).

۳: داشتن ظرفیت آزاد ارجاع کار حداقل معادل مبلغ ۰۰۰'۰۰۰'۰۰۰'۱۸۲ ریال در رشته ی ذکر شده در بند ۲.

۴: شرکت مناقصه گران در قالب گروه‌های مشارکت در این مناقصه امکان پذیر نمی باشد.

■ **تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:** طبق مصوبه شماره ۱۳۳۴۰۴/۱۳۳۴۰۴/۵۶ مورخ ۵۶/۲۲/۱۳۹۴ هیأت وزیران به مبلغ ۰۰۰'۰۰۰'۹۱۰۰ ریال.

■ **محل تامین اعتبار: اعتبارات سرمایه‌ای شرکت گاز استان قزوین**

■ **قیمتهای پیشنهادی مناقصه گران می‌بایست متناسب با کالای ساخت داخل یا لحاظ کیفیت ارائه گردد.**

■ **به این پیمان مطابق آیین نامه تضمین معاملات دولتی، مصوبه هیات وزیران به شماره ۱۳۳۴۰۴/۱۳۳۴۰۴/۵۶ مورخ ۵۶/۲۲/۱۳۹۴ و اطلاعیه‌های بعدی آن، پیش پرداخت معادل ۱۵٪ مبلغ اولیه پیمان تعلق خواهد گرفت.**

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: ■ مرکز تماس: ۰۲۱-۱۴۵۶ ■ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
عطف به بخشنامه شماره ۳۲۲۶۲۱ مورخ ۰۹/۰۹/۹۸ سازمان برنامه و بودجه کشور و مطابق بند "د" ماده ۱۸ قانون برگزاری مناقصات، مناقصه گران می‌توانند در ساعت و تاریخ اعلام شده در آگهی فراخوان مناقصه در جلسه بازگشایی پاکات (الف-ب-ج) حضور یابند.

از شرکت‌های واجد صلاحیت دعوت می‌شود به منظور دریافت اطلاعات تکمیلی به نشانی www.nigc-qazvin.ir و پایگاه اطلاع رسانی مناقصات (http://iets.mporg.ir) مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت گاز استان قزوین

شناسه آگهی: ۲۰۸۴۴۲۲

ادامه سر مقاله

به همه اینها اضافه کنیم فقدان امید به آینده که امری فراگیر شده است و پسر و جوان و زن و مرد، باسواد و کم‌سواد، فقیر و غنی نمی‌شناسد و اتفاقاً این ناامیدی موهوم و ساختگی نیست؛ زیرا ادبند که پس از انتخابات ۱۴۰۳، بی‌جهت با کوچکترین دلخوشی مردم که رفع فیلترینگ باشد، همراهی نکردند و جلوی مردم ایستادند و تاکنون هم ایستاده‌اند و اگر مقاومت پزشکیان نبود، تا حالا جنگ با زنان را از طریق مصوبه ضدامنیت ملی اعلام کرده بودند. در جنگ ۱۲ روزه هم مردم در دفاع از کشور سنگ تمام گذاشتند و علی‌رغم برجسته شدن شعارهای میهنی، چندی نگذشت که دوباره به تنظیمات کارخانه برگشتند. مجلس استصوابی هنوز گمان می‌کند که نماینده واقعی مردم است؛ لذا از این منظر وارد امور می‌شود و در مسیر اقلیت حامی خود حرکت می‌کند و تعارضی غیرقابل قبول را در نظام مدیریتی کشور ایجاد کرده است. صداسویما به‌جای بازکردن چتر رسانه‌ای خود بر حقیقت‌های آشکار جامعه ایران و گسترش مخاطبان خویش، همچنان بر انحصار رسانه‌ای و سیاست روایت‌محوری پای می‌فشارد و در این شش‌ماه بسنتر نشده که بازتر نشده است. در حقیقت، روند تحولات پس از دولت آقای رئیسی در حدی نبوده که مردم را راضی کند. شاید اگر آن دولت ادامه یافته بود، وضعیت امروز ایران در همان سال گذشته رخ داده بود و تاخیر یک‌ساله تنها نتیجه مثبت آن انتخابات بود.

با این ملاحظات، چه انتظاری جز آنچه که رخ داده شد، می‌توان داشت؟ این وضعیت محصول کشت بذریه‌ای قبلی است. بذریه‌ای که به‌خوبی هم آب داده شد. بذریه‌ای که در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ کاشته شد و در ۱۴۰۰ به بعد هم هرس شد. اکنون نوبت به دروی ثمرات آن رسیده است. البته، شاید بتوان با اعتراضات و به‌ویژه هنگامی که به اقدامات تخریبی منجر می‌شود، مقابله کرد. ولی در موارد گذشته هم گته می‌شد که «جمع کردن» یا «حل کردن» خیلی فرق دارد. همان‌طور که دستفروش‌ها را می‌توان از معابر عمومی جمع کرد؛ ولی مسئله دستفروشی حل نخواهد شد و دوباره به شکل دیگری خود را در جای دیگری بروز می‌دهد. جمع کردن فریب‌دهنده است و سیاستمداران را بی‌نیاز از حل کردن خواهد کرد و همین نقطه آغازین شکست یک سیاست است. دفعات گذشته هم همیشه گفته می‌شد که اعتراضات را حتماً باید حل کرد و جمع کردن به‌تنهایی کافی نیست. باید راه اعتراض مدنی را گشود. باید گفت‌وگو کرد. همه اینها پدینرفته می‌شد و تا هنگامی که اعتراض وجود داشت، لقلقه زبان سیاستمداران بود و هنگامی که به‌هر دلیل اعتراضات جمع می‌شد، فراموش می‌کردند. گویی از دریای موج و خطر ناک به ساحل آرامش و امن می‌رسیدند و تمام آن وعده‌ها را فراموش می‌کردند.